

Copyright Ezzat Goushegir©
Copyright www.ezzatgoushegir.com©

خاطرات مصاحبت (38)

اي جديد از خودم بيافرينم كه حقيقت تمام تجربه ها در آن مستتر باشد.
پدر كاوه همين الان از تهران تلفن كرد. و با صداي پر عاطفه اش من و كاوه را بسيار خوشحال كرد.
گفت كتابهايي را كه خواسته بوديد براي من پست زميني كرده ام. و بعد همه اخبار خانوادگي را به من
اطلاع داد.
فكر كردم چقدر خوب است كه پدر پسر من كسي است كه دوست مي دارد، كه ارزش مي گذارد و احترام و
مسئوليت را به غايت ميشناسد